

پوشاک زنان گُرد

روشنک رهو*

پوشاک بارزترین سنبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و سریع انتقال ترین نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در بین جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. مفرایبی قرار داده و استراتژی های پوشاک یکی از عناصر بارز فرهنگی و نشانگر بخش عظیمی از نیازهای مادی و معنوی انسان بوده و چگونگی پاسخ به این نیازها، نشانگر دانش فرهنگی و نظامات، تصورات و تفکرات و عقاید و باورها و جهان بینی های یک گروه قومی است که اعضای آن چنین نوع پوشاکی را پذیرفته اند. محیط زیست طبیعی، نوع معیشت، روابط اجتماعی، قشر بندی اجتماعی و منزلت های اجتماعی و شبکه توزیع قدرت و ثروت، مواد و مصالح موجود در محیط زیست طبیعی عواملی هستند که در شکل کلی و جزئیات پوشاک گروه های قومی سنتی دخالت دارند. پوشاک زنان گُرد مانند همه اقوام دیگر در طول سالیان دراز در این منطقه به وجود آمده است و با تغییرات کمی به شکل امروزی به نسل جدید رسیده است.

*- کارشناس ارشد مردم شناسی. سازمان میراث فرهنگی استان کردستان.

در این پژوهش به بررسی نمونه‌هایی از پوشاک و زیورآلات زنان کرد در منطقه کردستان می‌پردازیم:

سرپوش‌های زنان:

زنان در گذشته نه‌چندان دور از کلاه‌ها و سرپوش‌های خاصی استفاده می‌کردند ولی در حال حاضر بیشتر از روسری‌هایی که در نقاط شهری رایج است استفاده می‌شود و فقط زنان سالمند از سرپوش‌های قدیمی استفاده می‌کنند.

سرپوش‌های زنان در گذشته عبارت بودند از کلاه و سربند که در اصطلاح محلی به آن کلاو [klâw] و سروین [sarwin] گفته می‌شد. کلاه‌ها معمولاً توسط خود زنان دوخته و ساخته می‌شد. این کلاه‌ها عبارت بودند از کلاوفس [klâwfas] و کلاوزر [klâwzar].

کلاوفس [klâwfas]:

این کلاه فقط قسمت فوقانی سر زنان را می‌پوشاند و بقیه موها را معمولاً از طرفین شانه با حالت باز می‌گذاشتند. این کلاه به شکل نیم‌کره و از پارچه تهیه می‌شده است و برای دوخت آن از دو لایه پارچه استفاده می‌شد که پارچه روی آن معمولاً ضخیم و از جنس مخمل و یا ابریشم بود و برای قسمت زیرین از پارچه‌های نرم استفاده می‌کردند. جهت تزئین این کلاه به قسمت لبه آن حاشیه‌ای به پهنای ۳ تا ۵ سانتی متر دوخته می‌شد بر روی این حاشیه نیز مهره‌ها و منجوق‌های ریز و درشت دوخته می‌شد. به این نوار حاشیه «پرچکه» [prčka] می‌گویند. معمولاً در وسط فس [fas] و بالای پیشانی سکه‌ای درشت نصب می‌شود که به آن «چپوله» [çapola] می‌گویند. در بالای فس [fas] نیز رشته‌ای منجوق نصب می‌شود که به آن «گلره» [glera] گفته می‌شود. در صورتی که به جای پرچکه [perčka] از یک

ردیف سکه کوچکتر از چپوله استفاده شود به آن «پرچنه» [pr̥c̥na] گفته می‌شود. گاهی بر روی کلاه فس سکه‌های پنج قرانی و یا دو قرانی وصل می‌شد و اغلب به وسیله یک ردیف سکه پول به یکدیگر وصل شده که به آن ژیرچناکه [zir̥c̥nâka] یا چیرچناکه [çir̥c̥anâka] می‌گویند و یا به وسیله مهرهایی که همانند تسبیح به بند کشیده شده، از زیر چانه عبور کرده و از دو طرف به وسیله دوقلاب به دو لبه کلاه وصل شده که کلاه را بر روی سر ثابت نگه می‌دارد. لازم به ذکر است این نوع کلاه را که با پول تزئین می‌شد بیشتر در جشن‌ها و مراسم عروسی مورد استفاده قرار می‌دادند.

کلاوزر [klâwzar]:

این کلاه نیز مانند فس، توسط خود زنان دوخته می‌شد با این تفاوت که کلاوزر به مراتب تزئینات بیشتری از کلاه فس دارد و داخل آن مقوایی قرار داده و استوانه‌ای شکل است. این کلاه در گذشته بیشتر توسط دختران و زنان جوان مورد استفاده قرار می‌گرفت و اکنون نیز در مراسم روز سوم عروسی که به آن سه‌روژه [serûza] می‌گویند، عروس‌ها برای زیبایی آن را بر روی سر می‌گذارند. بر لبه‌های این کلاه نیز سکه‌های دو قرانی و پنج قرانی نصب شده و تزئیناتی مانند لاگیره [lâgira] و پرچکه [per̥c̥ka] و چناخ بر روی آن وصل می‌شود.

لاگیره [lâgire] عبارت از مهره‌های رنگی که زنجیره وار به بند کشیده شده و چند ردیف آن را به یکدیگر متصل کرده و تعدادی سکه پنج قرانی و یا دو قرانی به آن آویزان کرده و آن را به پشت کلاوزر نصب می‌کنند.

پرچکه [per̥c̥ka] نیز مهره‌هایی کوچک و رنگی (قرمز، آبی، سبز) است که به بند کشیده شده و بر روی کلاه در ناحیه پیشانی دوخته می‌شود.

لچک [lačk]: [lačk] و مشتق از «لا» و «چک» و به معنی پارچه‌ای است که در گذشته برای پوشش دادن بدن استفاده می‌شد.

پارچه‌ای نازک و زیبا به شکل سه گوش است و رأس آن به وسیله یک سنجاق به روی کلاه وصل می‌شود و دو گوشه آن در طرفین و بر روی شانه قرار گرفته، به این ترتیب بر روی سینه آورده می‌شود و یک گوشه آن در پشت آویزان می‌ماند.

ره‌شتی [rašty]: [rašty] و مشتق از «را» و «شتی» و به معنی نوعی روسری است که در گذشته برای پوشش دادن بدن استفاده می‌شد.

نوعی روسری از جنس ابریشم به اندازه دو متر که زمینه آن راه راه با دورنگ قرمز تیره و روشن است. این سررند را گاهی به دور کلاه پیچیده و گاهی برای زیبایی به شکل کج به دور سر می‌پیچند. به این روش لارپیچ [lârpîc] می‌گویند. گاهی آن را باز کرده و بر روی شانه‌ها مانند شنل آویزان می‌کنند و دو گوشه آن را از جلوی گردن گره زده و از آن به عنوان «چاره‌که» [câraka] (شنلی که زنان بر روی شانه آویزان می‌کنند) استفاده می‌کنند.

هه‌وری [hawry] یا کلاتی: [hawry] و مشتق از «هه» و «وری» و به معنی نوعی روسری است که در گذشته برای پوشش دادن بدن استفاده می‌شد.

رووسری چهارگوش از جنس ابریشم که زمینه آن از دورنگ سفید و قرمز با طرح‌ها و نقوش اسلیمی است. این سرپوش همراه ره‌شتی به شکل لارپیچ [lârpîc] به دور سر بسته می‌شود. لازم به ذکر است که در گذشته از این سررند با زمینه قرمز به عنوان روبند عروس استفاده می‌شد.

شده [šada]: [šada] و مشتق از «ش» و «ده» و به معنی نوعی روسری است که در گذشته برای پوشش دادن بدن استفاده می‌شد.

پارچه‌ای است ابریشمی با ضخامت زیاد که رنگ آن قهوه‌ای سیر و بعضی مواقع متمایل به زرشکی است. زمینه آن بدون نقش است و از آن به عنوان سررند استفاده می‌شود. اندازه این سررند ۲ × ۲ متر است. که به جای پرچک [perčka] یکی

تن پوش های زنان: تن پوش های زنان کُرد در اغلب نقاط همانند سرپوش ها از تنوع زیادی برخوردار است. زنان پیراهن بلند و گشادی که به آن «کراس» [krâs] گویند می پوشند یک نوع این پیراهن دارای آستین گشاد و بلندی است که دو برش مثلث شکل در طرفین آن دوخته شده، به این ترتیب که رأس آن به زیر بغل دوخته می شود و قاعده آن در پائین پیراهن قرار می گیرد و به این تکه «تیرنج» [tiranj] گفته می شود. یقه پیراهن معمولاً گرد است و یک چاک در جلوی آن قرار داد که به وسیله دکمه های بسته می شود و برای اینکه قسمت یقه و محل دکمه ها از استحکام بیشتری برخوردار باشد یک تکه پارچه مستطیل شکل را روی قسمت یقه می دوزند. لازم به ذکر است زنانی که بچه های خود را شیر می دهند از محل یقه، سینه خود را بیرون آورده و به کودک شیر می دهند. این پیراهن دارای آستین بلند و گشادی است که تا مچ دست می رسد و به انتهای آستین یک تکه پارچه مثلثی بلند به نام «سورانی» [sorâni] دوخته می شود.

بلندی سورانی تا روی پا می باشد و علاوه بر زیبایی دارای کاربردهای متعددی است زنان در هنگام کارکردن دو سر سورانی را به هم گره زده و آن را به پشت سر می اندازند و به این ترتیب آستین جمع می شود و گاهی آن را به دور مچ دست تا روی ساق می پیچند تا هنگام کارکردن راحت باشند. و در طول فصل زمستان نیز آن را بر روی آستین «کوا» [kawâ] می پیچند به این ترتیب از نفوذ سرما به داخل آستین جلوگیری می کنند و دیگر اینکه هنگام وضو، آستین ها را به راحتی تا بالای آرنج بالا می زنند به این ترتیب که با بستن سورانی بر روی آرنج مانع پائین آمدن آستین می شوند.

کاربرد دیگر سورانی در مراسم شادی و جشن ها است. زنان در هنگام رقص دسته جمعی کُردی، سورانی ها را باز کرده و از آن به عنوان دستمال به هنگام اجرای

رقص «دو دسماله» استفاده می‌کنند و به این ترتیب با حرکت و چرخش سؤرانی‌های رنگارنگ، زیبایی و شکوه رقص بیشتر می‌شود. در بسیاری از نقاط کردستان از جمله شهرستان‌های بانه و سقز و دیواندره زنان پیراهن بلندی که دارای کمر چین دار و فاقد سؤرانی است می‌پوشند. زنان بر روی این پیراهن، شال پشمی مخصوصی که به آن «پشت‌وین» گویند بر روی کمر می‌بندند.

لازم به ذکر است که زنان سالمند در اغلب نقاط، پیراهن کردی بدون سؤرانی می‌پوشند و به دور کمر نیز شالی که اغلب یک روسری است می‌پیچند. پارچه‌های استفاده شده در دوخت پیراهن کردی از جنس ژرژت، کرپ و یا نخ با رنگ‌های روشن و شاد است و در زیر آن زیر پیراهنی که در اصطلاح محلی به آن «ژیرکراس» [zirkrâs] می‌گویند از جنس نخ و هم رنگ با پیراهن دوخته می‌شود.

سوخمه [soxma]:

نیم تنه‌ای است بدون آستین که بر روی پیراهن پوشیده می‌شود. این نیم تنه از جنس مخمل بوده و به دو طرف آن در گذشته سکه‌های پول دوخته می‌شد، همچنین حاشیه آن را با استفاده از پولک و یا منجوق و گوه و گلابتون تزئین می‌کردند. به این نیم تنه «سینه‌پوش» نیز گفته می‌شد. لازم به ذکر است که مقدار سکه‌های دوخته شده در جلوی سوخمه بیانگر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها بود و اغلب خانواده‌های اعیان، از نقره به جای پول بر روی سوخمه استفاده می‌کردند.

سلته [salta]:

نیم تنه‌ای است که دارای آستین بوده و از جنس مخمل است. این نیم تنه برای زیبایی و گرمای تن خصوصاً در فصل زمستان بر روی کراس و سوخمه پوشیده می‌شود.

کوا [kawâ]:

قبایی است بلند و جلو باز از جنس مخمل، که در طرفین آن چاک بلندی تا نزدیک ساق پا ایجاد شده و بر روی کراس (پیراهن) پوشیده می‌شود. لازم به ذکر است که در حال حاضر نیز رسم است که دختران جوان در مراسم عروسی بر روی کراس خود برای زیبایی بیشتر، «کوا» [kawâ] می‌پوشند.

شؤوال [suwâl]:

شلوار زنان گُرد اغلب از جنس نخ بوده و گشاد می‌باشد و کمر و ناحیه میچ پای آن به وسیله کش و یا با بستن دکمه جمع می‌شود. لازم به ذکر است که زنان در هنگام کار کردن گاهی شلوار گشادی پوشیده و پیراهن خود را داخل آن می‌اندازند تا راحت بتوانند حرکت کنند.

زیورآلات زنان گُرد:

خودآرایی و استفاده از آرایه‌های تزئینی، هیچ‌گاه مختص به قوم یا نژاد خاص و یا محدود به دوره تاریخی معینی نبوده است. زنان همواره در همه جا از اشیاء در دسترس خود، از هسته میوه و صدف گرفته تا سنگ و فلزات گرانبها به عنوان زیورآلات استفاده می‌کنند. بسیاری از زیورها توسط زرگران ساخته شده و زنان روستایی آن را از شهر خریداری می‌کردند ولی تعدادی نیز توسط خود زنان تهیه می‌شد. زنان گاه خود با دوختن سکه‌های پول بر روی سوخمه و یا کلاه، آن را تزئین می‌کردند و یا مهره‌های رنگی را به بند کشیده و به دور کلاه دوخته و یا به عنوان گردنبند به گردن آویزان می‌کردند. استفاده از این زیورها هنوز هم در میان زنان این منطقه رایج است و مهره‌های رنگی که به گردن آویزان شده‌اند زینت دهنده گردن زنان گُرد است.

زیورآلات را براساس نوع کاربرد آنها بدین گونه می توان تقسیم کرد: [kavir] کلاه

کلاه و زیورآلات دیگر رنگ زردی فلزی و فلزهای مختلف است که در آن به کار می رود و زیورآلات دیگر به نام زیورآلات فلزی است.

زیورهای سروپیشانی: [kavir] کلاه

بر روی کلاوزر یا کلاو فس سکه های پول می دوزند و از تزئیناتی دیگر مانند

منجوق و یا گلابتون دوخته شده به عنوان زیور سر می توان یاد کرد. زنان برای

زیبا کردن این کلاه، زیورهای دیگری به آن می افزایند که به شرح زیر است. [kavir] کلاه

سروپوش و به دور کمر نیز شلی که اغلب یک رو سری است می [kavir] کلاه

۱- پلپله [plpla]: [kavir] کلاه

سکه های پول است که بر روی کلاه در ناحیه پیشانی وصل می شود. پلپله کلاه

از فلزهای مختلف است که در آن به کار می رود و زیورآلات دیگر به نام زیورآلات فلزی است.

۲- نقیم [naqim]: [kavir] کلاه

تکه ای سنگ عقیق به شکل مدور یا بیضی است که بر روی فلزی از جنس نقره

نصب شده و در پائین آن سکه های پول یک قرانی و یا چند تکه عقیق به شکل

آویزان نصب شده است. نقیم در کنار سر بر روی کلاه و یا سرپوش وصل می شود.

نقیم کلاه از فلزهای مختلف است که در آن به کار می رود و زیورآلات دیگر به نام زیورآلات فلزی است.

۳- لاگیره [lâgira]: [kavir] کلاه

این زیور عبارت است از یک ردیف سکه پول که به یکدیگر متصل شده و بر

روی سرپوش در کنار سر وصل می شود. لاگیره کلاه از فلزهای مختلف است که در آن به کار می رود و زیورآلات دیگر به نام زیورآلات فلزی است.

لاگیره کلاه از فلزهای مختلف است که در آن به کار می رود و زیورآلات دیگر به نام زیورآلات فلزی است.

۴- موره [mûra]: [kavir] کلاه

مهره هایی ریز و رنگی است که همانند دانه های تسبیح به بند کشیده می شود و

در طرفین آن دو قفل نصب شده و آن را از زیر چانه عبور داده و دو قفل را به دو

طرف کلاه وصل می کنند و به این ترتیب علاوه بر زیبایی، کلاه را بر روی سر ثابت

نگه می دارد. خشک:

[dɛlɒpə] لب‌آباد ۱

در این نوع کلاه به استفاده از ابرو رنگ‌گرفته شده که به دلیل مانع از تابش آفتاب است. لب‌آباد و...

۵- **وره‌تاقی** [waratâqy]: شیطان ساخته می‌شود. بستن به نایب و آن...

در جلوی کلاه فیس چند ردیف مهره زردرنگ و یا قرمز که به بند کشیده شده

است و وصل می‌شود که به آن وره‌تاقی می‌گویند. [nâliə] ن‌لیس ۲

در این نوع کلاه به استفاده از ابرو رنگ‌گرفته شده که به دلیل مانع از تابش آفتاب است. ن‌لیس و...

۶- **ژیرچناکه** [zîrçnaka]: طرح‌ها و اشکال مختلف توسط رنگ‌آمیزی ساخته می‌شود.

زیوری است که از اتصال سکه‌های پول یک قرانی و یا دو قرانی و یا از مهره‌های

آبی و قرمز و سیاه‌رنگ ساخته شده است. در طرفین آن قفلی نصب شده و هنگام

استفاده آن را در زیر چانه قرار داده و قفل را از دو طرف به کلاه نصب می‌کنند.

این نوع زیوری از جنس فلز یا پلاستیک ساخته می‌شود. زیوری و...

۷- **په‌لکه** [palka]: نصب شده و به آن آویزان می‌کنند و به وسیله

مهره‌هایی است که به بند کشیده شده و تعدادی از آن را در یکدیگر تابیده و از

زیر چانه عبور داده و به لبه‌های کلاه وصل می‌کنند. په‌لکه و...

نمونه‌های مختلفی از این نوع کلاه در مناطق مختلف وجود دارد. په‌لکه و...

۸- **پشته‌سهره** [peştasara]: رنگ‌ها و اشکال مختلف توسط رنگ‌آمیزی ساخته می‌شود.

زیوری است که از سکه‌های یک قرانی و یا پنج قرانی ساخته شده و معمولاً به

پشت سر بر روی کلاه و یا دیگر سرپوش‌ها به وسیله قلاب وصل می‌شود. پشته‌سهره و...

این نوع زیوری از جنس فلز یا پلاستیک ساخته می‌شود. پشته‌سهره و...

زیورهای گردن و سینه: زیورهای گردن و سینه که به صورت زنجیر یا...

در نقاط بررسی شده گردستان گردنبندهایی را که زنان استفاده می‌کنند

«ملوینک» [melwinek] می‌گویند این زیورها عبارتند از: ملوینک و...

این زیورها از جنس فلز یا پلاستیک ساخته می‌شود. ملوینک و...

۱- دل ربا [delrobâ]:

مهره‌هایی از یاقوت است که در بین مهره‌هایی کوچکتر قرار گرفته و زنان آن را به گردن آویزان می‌کنند.

۲- شیلان [šilân]:

مهره‌های رنگی درشتی است که همراه مهره‌های کوچکتر به نخ کشیده شده و به گردن آویزان می‌کنند.

۳- خشل و خاو [xešloxâw]:

گردنبندی است که از گیاهان و گل خوشبو و یا از کهربا [kahrobâ] ساخته می‌شود.

۴- شه‌وه [šawa] یا شه‌وگ [šaweg]:

مهره‌هایی است سیاه رنگ و در اندازه‌های بزرگ و کوچک که به یکدیگر وصل شده و زنان آن را به گردن آویزان می‌کنند این گردنبند علاوه بر زیبایی، جنبه اعتقادی نیز دارد و معتقدند افرادی که این گردنبند را به گردن دارند از گرفتار شدن به حالت شه‌وه (بختک در فارسی) در امان هستند.

نوعی دیگر گردنبند که در این منطقه استفاده می‌شود به آن جی دعا [jydoâ] می‌گویند و عبارت است از لوله‌ای فلزی که داخل آن دعا قرار می‌گیرد و آن لوله را به یک رشته از مهره‌های رنگی وصل کرده و به گردن آویزان می‌کنند. نوع دیگری از این گردنبندها وجود دارد که چند دعا بر روی صفحه‌ای از فلز حک شده و به آن طلسم می‌گویند.

گردنبند میخک:

این گردنبند از رایج‌ترین گردنبندها در بین زنان است که از ترکیب میخک و مهره‌های رنگی به خصوص شیلان ساخته می‌شود.

گواره [gowâra] (گوشواره):

یکی از زیورهای مربوط به ناحیه سر و گردن است که زنان آن را به گوش آویزان می‌کنند. این گوشواره در طرح‌ها و اشکال مختلف توسط زرگران ساخته می‌شود.

زیورهای دست:

بازی بن [bâzyban] (بازوبند):

این نوع بازوبند از جنس فلز بوده و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شود. گاهی لوله‌های دعا به آن نصب شده و نیز سکه‌های پول به آن آویزان می‌کنند و به وسیله قلاب یا کشی بر روی لباس در ناحیه بازو نصب می‌شود.

خرخال [xerxâl] (النگو):

دستبندهای سنتی معمولاً حالت لولایی داشتند و در قسمت دستبند در نقطه‌ای که به هم وصل می‌شدند به وسیله چفتی بسته می‌شدند. بر روی بدنه این دستبندها سنگ‌های قیمتی نصب می‌شد. به دستبند در اصطلاح محلی بازنه [bâzna] (بازن) می‌گویند.

کلک‌وانه [klkawâna] (انگشتر):

اغلب زنان از انگشترهایی که نگین و یا سنگ‌های قیمتی بر روی آن نصب می‌شود استفاده می‌کنند این انگشترها بیشتر از جنس نقره است.

زیور کمر: [delroba]

توضیح: *توضیح: ...*کمر بن زیو [kamarbanziw]: *کمر بن زیو ...*

در گذشته زنان کمربندهایی را که از جنس نقره بود در مراسم جشن و عروسی بر روی پیراهن خود می بستند.

لازم به ذکر است در منطقه بررسی شده، زنان پره‌های بینی خود را سوراخ کرده و به آن حلقه‌های نگین دار وصل می کردند که به آن لووته‌وانه [lotawâna] گفته می شد.

همان گونه که تنوع پوشاک مناطق مختلف به منزله علامت و نشانه خاصی برای معرفی اقوام مختلف است. جنس و رنگ و شکل لباس و زیورها و ضمائم آن هم به پوشنده لباس منزلت اجتماعی ویژه‌ای می بخشد.

پوشاک زنان گرد سرشار از تنوع رنگ‌های زیبا و شاد، توأم با زیورهایی که اغلب توسط خود زنان بر روی لباس‌ها دوخته شده است می باشد.

در گذشته زیورآلات زنان به جز جنبه زیبایی در پس انداز خانواده نقش داشت و به عنوان پشتوانه اقتصادی به حساب می آمد. چنانکه به قول یکی از زنان روستایی

در مواقعی که محصول خانواده خوب نبود با فروش سکه‌های نقره دوخته شده به کلاه‌ها، مایحتاج خود را خریداری می کردند.

لازم به ذکر است که باورها و دانسته‌های عامیانه، تأثیر خود را بر پوشاک می گذارند. مثلاً آویختن گردنبندی از مهره شه‌وه [šawa] به گردن از ورود آل به

داخل خانه جلوگیری می کند و یا از گرفتار شدن به حالت شه‌وه در امان می مانند. و یا با وصل کردن مهره‌های سیاه‌رنگ به نقیم در زیورکنار سر و همچنین وصل کردن

گردنبندی از گیاه سمل [seml] به گردن باعث دفع چشم زخم می شود. همچنین پوشاک عروس، نمادها و نشانه‌هایی از دوران باستان را در خود دارد و

زنان با اصرار خود در پوشیدن این لباس، انتقال دهنده این فرهنگ هستند. استفاده

از تور قرمز رنگ بر روی سر عروس یادگاری از دوران حجاب است که در روزگاران باستان متداول بوده است. نماد پوشاندن سر از سوی عروسان شرق باستان به عقیده بعضی ها نشانه اطاعت آنان از همسرانشان بوده است.

جاف

تهیه‌یاز محسنی*



جاف (Jaf) نام ایل و طایفه است که در شمال غربی ایران زندگی می‌کنند. جاف ایل یکی از قومیت‌ها بوده است که در سورمین و سیفی در استان کردستان که در منطقه جنوبی سلیمانیه و حلبچه و اورامان جنوبی، از مشایخ و پادشاهان بوده است. گروه شاهوز کامیاران، بیلوار و میان در شده، از جنوب به منطقه سنجان (کوه چانی)، قلخانیه، تهریل ذهاب و از مغرب یا خاک عراق کنونی یعنی از مغرب هرتا (Diyala) و کناره رود سیروان در خط مرز در شمال تا کناره رود گوره که در جنوب این خط محدود است. (مخبر علی سلطانی ص ۱۲۳)

پوشاک‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نواحی یاد شده از قدیم الایام محل زندگی و زیست افراد و طوایف جاف بوده است.

در طول تاریخ، قبایل و طوایف ایل جاف به صورت دستجات و شعبات مختلف در ایام سرد و گرم سال به بیلاق و قشلاق می‌پرداختند به طوری که

منابع:

- ۱- پوشاک استان کردستان، سید محسن علوی مرکز پژوهش‌های میراث فرهنگی
- ۲- تحقیقات میدانی نگارنده